



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم

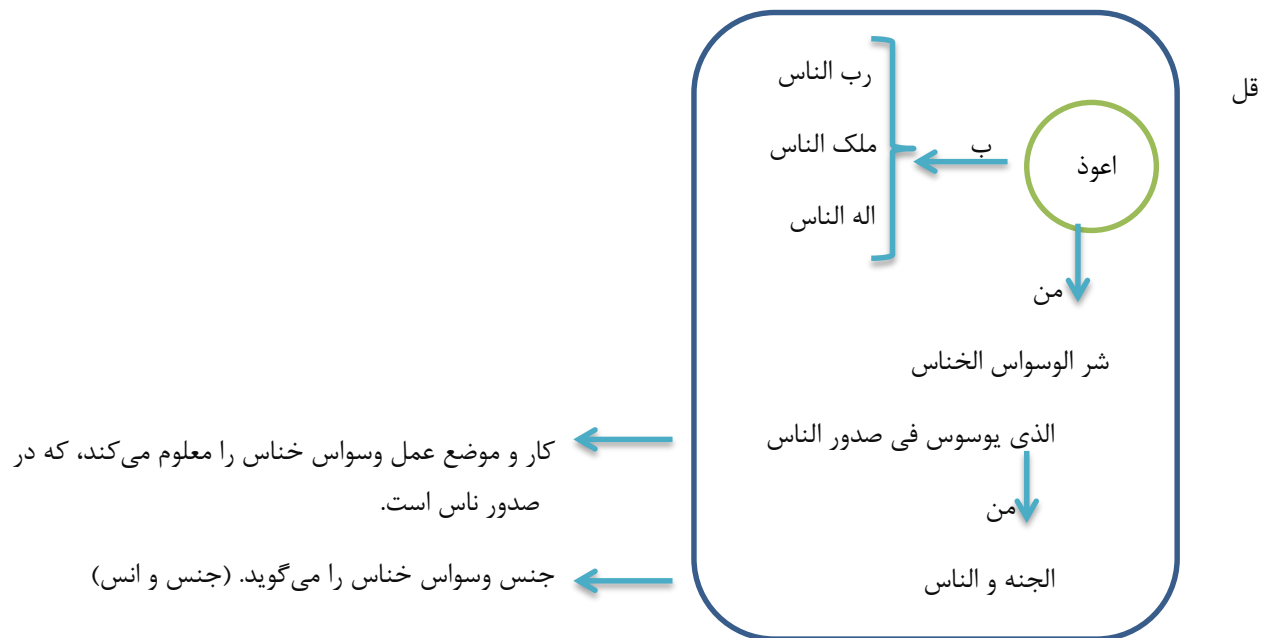
- سوره ها عظمت دارند. ما هیچ گاه به سوره ها مسلط نمی شویم. همیشه سوره ها به ما مهیمن هستند. تنها کاری که می توانیم بکنیم این است که در فضای سوره شنا کنیم.
- کل سوره ذیل موضوع قل است. قل موضوع مهمی در سوره است. چرا که گفته است پناه بردنت را ابراز کن.

سوره مبارکه ناس:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

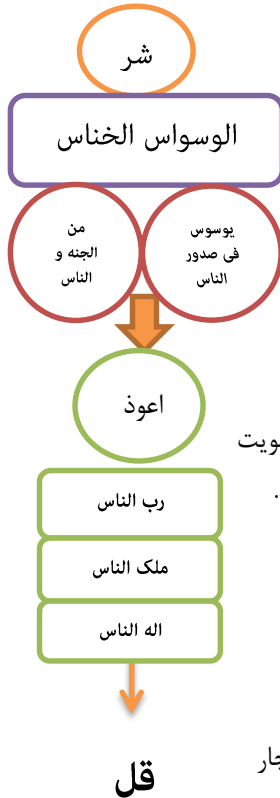
قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ (۱) مَلِكِ النَّاسِ (۲) إِلَهِ النَّاسِ (۳)

مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ (۴) الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ (۵) مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ (۶)



واژگان سوره:

- باید واژه های سوره را بررسی کنیم . برای شروع می توانیم واژه شر را بررسی کنیم و بر اساس آن نموداری ترسیم کنیم.
- می توانیم برای یک سوره، چندین نمودار بکشیم. مثلا یک مدل نمودار تربیتی خود سوره است و نمونه های دیگر این است که یک موضوعی را بگذاریم وسط، بقیه را حول آن بچینیم و نمودار رسم کنیم، نمودار این سوره را اینگونه می چینیم که برای استفاده در فرایند خیر مفید باشد:



- وقتی از شر شروع میکنیم به خواندن سوره ابتدا شر را می شناسیم، بعد جایگاه و مرفوع عمل آن و سپس جنس آن را می فهمیم. حالا که شر را شناختیم باید از این شر پناه ببریم. به چه کسی؟ به رب الناس، ملک الناس، اله الناس. حالا این پناه بردن را باید ابراز کنیم.
- خیر: نفعی است که با مقایسه بین دو یا چند چیز بر اساس اولیوی ترجیح داده می شود. اگر این اولویت بر اساس حکم خدا باشد. نفع، حقیقی خواهد بود و اگر اولویت بر اساس حکم خدا نباشد، نفع غیر حقیقی خواهد بود که به آن شر گفته می شود. (فاتحه کتاب معنا شناسی خیر)
- طبق تعریف بالا تعریف شر: ضرری است که با مقایسه بین دو یا چند چیز بر اساس اولیوی غیر از حکم خدا به عنوان نفع ترجیح داده می شود. ضرری است که نفع تشخیص داده می شود.
- فرآیند خیر هرکجا که ابتر شود، تبدیل به شر می شود. مخصوصا اگر در تفصیل دچار ضعف باشیم، دچار شر می شویم.
- مومنی که حکم خدا در اولویت او باشد، باید قدرت تفصیل داشته باشد.
- همه انسان ها بدنبال نفع خود هستند، در اینجا اولویت و مقایسه مهم می شود. در مقایسه باید تفصیل، ترجیح (معیار)، تعیین انسان درست باشد.
- بیشتر اشکالات فرآیند خیر یا در ناحیه مقایسه است یا در اولویت ها.
- اگر در مقایسه بین دو یا چند چیز (تفصیل) و در ترجیح اشتباه عمل کنیم دچار شر می شویم.
- حالا این شر در این سوره "وسواس خناس" معرفی شده است.
- "خناس" صفت "وسواس" است نه مضاف الیه آن.
- در قرآن ۵ واژه از ریشه وسوس داریم:
 ۱. یک مورد سوره ق/ که وسوسه کننده در آن نفس انسان است.
 ۲. دو مورد در سوره ناس
 ۳. در سوره اعراف و طه که وسوسه کننده در آن شیطان است.
- التحقیق وسوس: هر جریان صوت خفی يحدث فی النفس من دون ان یکون علی حقیقته سوا کان من شیطان انس او جن او من خطرہ باطنیه و یقابل الوحی و اللہام.
- آقای اخوت معتقدند: دقیقا وسوسه با الهام در تقابل است چون وحی حالت های دیگر هم دارد. جنس وسوسه و الهام یک چیز است با مبدا متفاوت. اگر کسی مبنا-معیار-حکم نداشته باشد (عدم رسیدن به بلوغ عقلی) نمی تواند تفاوت بین الهام و وسوسه را تشخیص دهد. جنس الهام مثبت است و اگر کارها با عقل توأم باشد وسوسه جایی ندارد.



- کسی می تواند الهام را دریافت کند که آنچه عقلش تشخیص می دهد را به اندازه کافی عمل کرده باشد.
- انسان نباید در اجبار و محدودیت دیگران قرار بگیرد. باید همیشه خودش را ببیند و ماجرا را. امیرالمومنین علی علیه السلام:
- خوشا به حال کسیکه آنقدر متوجه خودش است که به اشکالات دیگران بی توجه می شود.
- انسان اگر بزرگ شود مسایل برای او کوچک می شود.
- از ریشه خنس در قرآن فقط دو کلمه داریم:
 ۱. سوره ناس (وسواس خناس)
 ۲. سوره تکویر فَا أَقْسِمُ بِالْخُنُوسِ ، الْجَوَارِ الْكُنَّسِ
- التحقیق خنس : هو التأخر و الانقباض اذا كان من شانه تقدم و الانبساط
در موقعیتی که شأن یک چیز تقدم و انبساط است اگر برایش تاخیر و انقباض ایجاد شود او دچار خنس شده است.
خناس : وزن فَعَّال. کارش تاخر و انقباض ایجاد در کارهاست. کسی است که کارش تاخر و انقباض ایجاد کردن در کارهایی است که شأن آن تقدیم و انبساط است.
- وسوسه خناس:
وسوسه تاخیر اندازه و منقبض کننده
- یوسوس:
مدام وسوسه می کند. وسوسه می کند و وسوسه می کند و ... در کاری که شان آن تقدم است.
- موضع وسوسه صدور ناس است. صدور جمع صدر و به معنای سینه است. صدر محل استقرار قلب است . قلب آنجایی است که محل اداراکات دریافت ها و ذخیره هاست. صدور محل صادر شدن و ابرازات است . برای اطلاعات بیشتر به کتاب فعل رجوع شود.
- صدر: در ساختار وجودی آنجایی است که فرد یک چیزی دریافت کرده و به علم تبدیل شده (درک بایدها و نبایدها) و فهم به اجرا در آمدن آن رخ داده و محلی است که از آنجا کار انجام می شود. با عزم اراده و برنامه ریزی انسان در ارتباط است. بستر پروازات است و موضع فعل است. در فرایند خیر معادل گزینش است. یعنی بحث اراده و عزم و قصد و ...
حالا این وسوسه در صدر اتفاق می افتد یعنی دم انجام دادن.
- برخی لغویون وسواس را شک بعد از اطمینان نسبت به چیزی می دانند که دقیقاً موقع انجام کار درست، نسبت به آن شک می کنند.
- راه کار برون رفت از وسوسه های جمعی عادیاتی کارکردن است. مدل سوره عادیات: سریع بودن بدون عجله است.
- انسان: برخی از ریشه "انس" می دانند و برخی از ریشه "نسی". در معنای اول انسان موجودی است که با یک چیزی مانوس می شود و در معنای دوم نسبت به چیزی نسیان دارد.
- ناس : یعنی انسان از حیث مواجهه با چیزی، موجود انس ورز با دیگران. کلمه ناس جمع انسان را نشان می دهد.



- جن : جنّ یعنی پوشان و جنّ یعنی پوشیده. در مقابل انسان که انس ورز است جن موجودی است مانوس نمی شود. تک روی و منزوی است. در سوره هم الجنه آمده. تک آمده.

• حیوانات/سوره نور جن/سوره مائده

• تطبیق حیوانات : دوپا / چهارپا / خزنده روی شکم

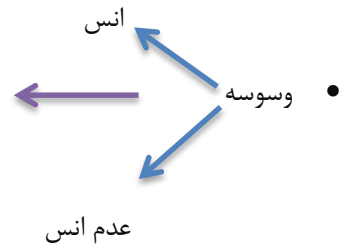


شبیبه ساختار انسان حیوانات و انعام شبیه مدل جن : مارها / تمساح یا لاک پشت زندگی اجتماعی ندارند.

شهوة و غضب در آنها فعال است

- مثلاً پرندگان اجتماعی اند.
- مدل انسان انس ورزیدن و عادت کردن به بستر است.
- وسواس می تواند هم از جنس انس باشد و هم جن:
- ✓ انس : مثلاً من نسبت به چیزی انس دارم اما می دانم آن چیز، چیز خوبی نیست و باید آن را ترک کنم ولی به خاطر آنس دم انجامش وسوسه می شوم که نکنم.
- ✓ جن : پوشیده است و نسبت به چیزی انس ندارم، به همین دلیل کششی در من نیست که آن کار را انجام دهم.
- ✓ این دو موضوع وسوسه به دلیل انس و عدم انس، فهمی است که بنده (دژبخش) دارم و از جایی نشنیدم. می شود بیشتر مطالعه کرد.

راهکار : مدیریت انس ها. به چیزهایی انس داشته باشیم که درست است و باید انس داشته باشیم.



- التحقیق انس: هو القرب مع الظهور بعنوان الاستیناس. قریبی است همراه با ظهور چیزی. انسی است که به دنبال خود چیزی را آشکار می کند. استیناس شبیه همدم داشتن است. انس مقابل نفرت و تنهایی و دوری است.
- انس : نزدیکی و آشکاری در همدمی - در انس ظهور و بروز وجود دارد به همین دلیل مقابل جن است.

آشکار: می خواهی نماز بخوانی یک عامل آشکار مانع آن می شود. مثلاً فردی می گوید نمی خواهد

• وسواس حالا بخوانی.

مخفی و پنهان: می خواهی نماز بخوانی اما نمی خوانی و نمی دانی که چه عاملی باعث می شود.



❖ شر در سوره:

یک ندای درونی است که دائماً جریان دارد می‌آید تأخیر ایجاد می‌کند و محل عملکرد آن فضای گزینشی انسان (صدر) است. اینکه در صدور انسان وسوسه می‌کند، یعنی حتماً از سیستم انس شما استفاده می‌کند حتی اگر من الجنه باشد. و شما را به سمت تاخیر می‌برد. جنس آن ممکن است مخفی یا آشکار باشد.

در فضای ابراز است آنجایی که می‌خواهید کار را تمام کنید و شر بودنش از اینجاست که سیستم اولویتی ما را یا مقایسه ما را بهم می‌زند تا در تشخیص نفع دچار مشکل شویم و ضرر را به جای نفع برگزینیم و یا ترجیح دهیم.

هر قسمت از فرآیند خیر دچار مشکل شود، دچار شر می‌شویم فرآیند خیر شکسته می‌شود و تبدیل به شر می‌شود.

- شر، فرآیند ندارد. در حالیکه در سوره از شر سخن گفته بنظر می‌رسد خیر و پناه بردن از شر همان اله و ملک و رب است.

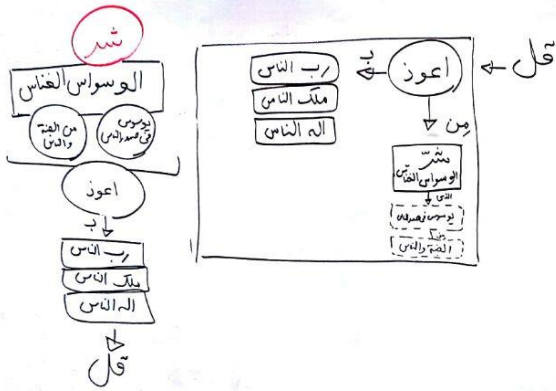
✓ تکلیف:

فرآیند خیر را در سوره ناس بیابید.

«اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم»

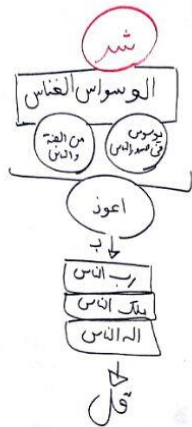


بسم الله الرحمن الرحيم



بسم الله الرحمن الرحيم
 قل اعوذ برب الناس
 ملك الناس
 اله الناس
 من شر الوسواس الغفاس
 الذي يوسوس في صدور الناس
 من الجنة والناس

بسم الله الرحمن الرحيم



خیر: **تفقی** است که با **مقایسه** بین دریا و **چینه** بر اساس **اولویت** **ترجیح** داد می شود.

اگر این اولویت بر اساس حکم خدا باشد، نفع، حقیقی خواهد بود.

و اگر اولویت بر اساس حکم خدا نباشد، نفع، غیر حقیقی خواهد بود که به آن **شر** گفته می شود.

شر: **ضرری** است که با **مقایسه** بین دریا و **چینه** بر اساس **اولویت** **عین** از حکم خدا به عنوان نفع **ترجیح** داده می شود.

آیات بغفاسی فيه ، فاتحه